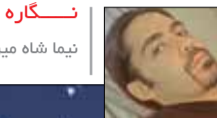


|  |  |
|--|--|
| تلفن: ۰۸۷۶۱۷۴۰۰<br>شماره: ۰۸۷۶۱۲۵۴ / ارتباط مردمی: ۰۸۷۶۹۰۷۵<br>پیامک: ۰۴۵۱۲۱۳ / ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ / روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۰۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۷۴۸۸۰۰                   |  |
| چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌چم برتر برنا   |  |
| سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ در شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewspaper.ir |  |
| اذان ظهر ۱۲/۲۰   اذان مغرب ۱۷/۱۴   نیمه شب شرعی ۲۳/۱۷   اذان صبح فردا ۵/۴۰   طلوع آفتاب فردا ۷/۱۰  |  |
| <b>امام‌علی(ع):</b><br>هر کس بد اخلاق باشد، خانواده اش از او دل‌تنگ و خسته می‌شود.   |  |
| <b>سخن روز</b>   |  |
| <b>تحف العقول،ص۲۱۴</b>   |  |

|  |                       |
|--|-----------------------|
| <b>نگاره</b>   | <b>نیم‌ا شاه میری</b> |
|    |                       |
| <b>#فردوسی_پور</b>   |                       |
| <b>هشتک</b>  |                       |
| بازی امروز تیم پرسپولیس باعث شده کاربران فوتبالی درباره این بازی و اتفاقات حاشیه‌اش بنویسند اما در کنار اینها اینکه عادل فردوسی‌پور قرار است بازی را به صورت زنده از اینستاگرام AFC فارسی گزارش کند بسیار مورد توجه قرار گرفت. خبرهای دعوت AFC و سفر فردوسی‌پور مرتب بازنشر می‌شد و کاربران زیادی درباره‌اش می‌نوشتند: «گزارش فردوسی‌پور برای اینستاگرام AFC یعنی شکست انحصار دیگری از صداوسیما. یعنی مدار جدیدی برای فعالیت حرفه‌ای، «با اینکه تماشا از لایو اینستاگرام سخته، ولی در کل حرکت زیبایی است»، «عادل فردوسی‌پور: به دعوت ای‌اف‌سی و برای گزارش بازی فینال می‌روم که از اینستاگرام رسمی ای‌اف‌سی به صورت زنده پخش خواهد شد و از این بابت خوشحالم که می‌تونم این مسابقه را برای مردم گزارش کنم»، «نتیجه ایجاد مدارا! امیدوارم توی اون ساعت کوسه‌ها سیم‌های اینترنت رو گاز نگیرن!»، «شما گاز نمی‌دوئم ولی من منتظر بودم فردوسی‌پور ممنوع‌الخروج بشه نرسد به قطر. الان که رسیده حس می‌کنم باید تشکر کنم. چیزی شبیه اون بنده خدایی که هوا خوب بود زنگ زد هواشناسی تشکر کرد. آقا ممنون گذاشتین برود قطر، آبروریزی راه نیفتاد. تشکر. چقدر شماها خوبین. از سرمون هم زیاده»، «فردوسی‌پور به خبر آنلاین گفته به دعوت ای‌اف‌سی و برای گزارش بازی فینال می‌روم که از اینستاگرام رسمی ای‌اف‌سی به صورت زنده |                       |
| <b>داستان تکراری آگرفنگی</b>   |                       |
| بارندگی شدید در خوزستان که باز هم منجر به آگرفنگی در شهرهایی مانند اهواز شد یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی بود که در یکی دو روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی درباره‌اش خواندیم. فیلم‌ها و عکس‌های زیادی از شرایط شهرهای مختلف خوزستان و مردمش منتشر می‌شد و خیلی‌ها از این می‌نوشتند که چرا هر سال این اتفاق در خوزستان می‌افتد: «اگر برائون سؤاله، باید بگم از دیشب بارونه ولیه باز آگرفنگی داریم»، «باز باران یا تهرانه... بهخشد اشتباه شد. باز باران با آگرفنگی معابر اهواز...»، «در پی بارش باران و تگرگ در بامداد جمعه، برای سومین بار در پاییز سال جاری چند شهر استان خوزستان از جمله اهواز، ماهشهر، سربندر، مسجدسلیمان، لالی و شوشتر دچار آگرفنگی شدند و ورود سیلاب و در برخی مناطق فاضلاب به خانه‌ها، خسارات گسترده‌ای به مردم وارد کرد»، «دوباره خوزستان بارون سیل آسوده‌امده و باعث آگرفنگی معابر و بیرون زدن فاضلاب شده. البته اگر نه توتی شهرهای استان بری در محله‌های شرکتی خبری از آگرفنگی نیست. کیانپارس اهواز پر شده از گل و شل اما توی نیوساید و شهرک نفت فقط خیابون تر شده. چرا؟ چون اون از اول سیستم دفع آب شهری   |                       |
| <b>ماجرا</b>   |                       |
| بارندگی شدید در خوزستان که باز هم منجر به آگرفنگی در شهرهایی مانند اهواز شد یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی بود که در یکی دو روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی درباره‌اش خواندیم. فیلم‌ها و عکس‌های زیادی از شرایط شهرهای مختلف خوزستان و مردمش منتشر می‌شد و خیلی‌ها از این می‌نوشتند که چرا هر سال این اتفاق در خوزستان می‌افتد: «اگر برائون سؤاله، باید بگم از دیشب بارونه ولیه باز آگرفنگی داریم»، «باز باران یا تهرانه... بهخشد اشتباه شد. باز باران با آگرفنگی معابر اهواز...»، «در پی بارش باران و تگرگ در بامداد جمعه، برای سومین بار در پاییز سال جاری چند شهر استان خوزستان از جمله اهواز، ماهشهر، سربندر، مسجدسلیمان، لالی و شوشتر دچار آگرفنگی شدند و ورود سیلاب و در برخی مناطق فاضلاب به خانه‌ها، خسارات گسترده‌ای به مردم وارد کرد»، «دوباره خوزستان بارون سیل آسوده‌امده و باعث آگرفنگی معابر و بیرون زدن فاضلاب شده. البته اگر نه توتی شهرهای استان بری در محله‌های شرکتی خبری از آگرفنگی نیست. کیانپارس اهواز پر شده از گل و شل اما توی نیوساید و شهرک نفت فقط خیابون تر شده. چرا؟ چون اون از اول سیستم دفع آب شهری   |                       |
| <b>عکس نوشت</b>  |                       |
|    |                       |



ننگاره

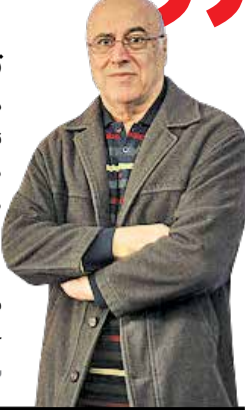
نیم‌ا شاه میری

یلدای کرونایی

### تاریخ را تحریف نکنیم

**مشیت‌علایی**، آن‌جایی از ادبیات که به تاریخ مربوط می‌شود به دلیل این‌که داستان‌نویس، هنرمند یا حتی منظومه‌سرا تاریخ‌نگاری نمی‌کند، از او توقع تاریخ‌نگاری نداریم؛ تاریخ‌نگار است که باید نعل به نعل یا تاریخ حرکت کند. اغراق در چارچوب داستانی که به تاریخ برمی‌گردد همانند کاری است که ویکتور هوگو در «بینوایان»، تولستوی در «جنگ و صلح»، دولت‌آبادی در «کلیدر» و گلشیری در «شازده احتجاب» کرده است. این‌رمان‌ها موضوع‌های تاریخی دارند، اما لزومی ندارد آنچنان به تاریخ وفاداری داشته باشند، چون در غیر این صورت کافی است مخاطب کتاب‌های تاریخی مربوط را بخواند؛ در این حدود نویسنده می‌تواند اغراق را کنترل کند مگر این‌که قصدش به کلی بی‌اعتبار کردن تاریخ باشد؛ در برخی آثار داستانی چنین چیزهایی را هم داریم، نویسندگانی که اعتقادی به این مباحث ندارند و می‌گویند که خود داستان‌جوری تاریخ‌نگاری است.

بخشی از گفت‌وگوی مشیت‌علایی منتقد ادبی و مترجم با خبرنگار ایستا



به بهانه بزرگداشت کامران شیردل در جشنواره سینما حقیقت

## «اون شب که بارون اومد» شاه‌بیت غزل سینمایی اوست

این روزها که مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در جشنواره حقیقت بزرگداشت یاد و نام استاد کامران شیردل را برگزار می‌کند فرصتی است تا به رغم همه مشکلات روزمره به وجود مردی بزرگ در سینمای مستند نظری دوباره بیفکنیم. طی این سال‌ها درباره او سخن کم گفته نشده است اما من مایلیم به دو نکته در کارنامه هنری استاد کامران شیردل اشاره کنم.

از سال ۱۳۷۷ وی در جزیره کیش در زمان مدیریت محسن قریب به مدت ۷ سال و به دور از هیاهوی اغلب هیچ‌پایتخت، آرام و با اندیشه، جشنواره‌ای را درباره سینمای مستند برگزار می‌کرد که بی‌گمان در آن سال‌ها به اثرات مثبت آن در سال‌های بعد و فیلمسازی‌که در آن دوران مورد تشویق و حمایت قرار گرفته بودند هیچ‌کس فکر نمی‌کرد. هم شبکه سه مانند نمونه‌های دیگر خود سرنوشتی کوتاه یافت اما به نوع نگاه او بود که آن شب‌ها را به فرصتی شایسته برای معرفی فیلم مستند تبدیل می‌کرد.

سینمای مستند ایران که اکنون بر جایگاه ارزشمندی

ایستاده بی‌شک مدیون تلاش‌های او برای

برگزاری آن جشنواره است. اگر چه آن

جشنواره هم به مانند نمونه‌های

دیگر خود سرنوشتی کوتاه یافت اما به

همان سال‌ها کافی بود که فیلم

مستند ایران حیات خود را حفظ

کند تا به امروز برسد.

برای جهانی شدن ادبیات نمایشی ایران

### باید از بهرام بیضایی گذر کرد

بهرام بیضایی بلندترین قله ادبیات نمایشی ایران‌زمین در این تاریخ صدوچند ساله تئاتر ماست و اگر هنوز نمایشنامه‌نویسی ما جهانی نشده است، باید از این قله درگذریم.

اگر بهرام بیضایی بلندترین قله از آغاز تاکنون ادبیات نمایشی است؛ در کنار او باید دانست که با ملاحظاتی و بنابر نظرسنجی‌های چندگانه موجود از دیگر قلل قابل اعتنا می‌توان از دو همراه دهه چهل‌ی‌اش، یعنی اکبر رادی و غلامحسین ساعدی نیز نام برد که همچنان به‌طور محسوسی قابل مطالعه و درک و دریافت نکات بارزی هستند. همچنین دو پدیده دیگر که در دهه ۷۰ رخ‌نمایی کرده و هر کدام نیز با شکوه و صلات ویژه‌ای در تاریخ نمایشنامه‌نویسی ما سر آمد شده‌اند. یکی علیرضا نادری نجف‌آبادی و دیگری محمد یعقوبی است. اینها در پهنه روزگاری که فرهنگ و هنر می‌توانست روزهای خوشی را تجربه کند، خود را بروز داده‌اند و همانند همان دوره طلایی دهه چهل یک‌بار دیگر سوار بر بخت بلند شده و هم‌تراز با آنان خودی نشان داده‌اند.

در این تحلیل نامی از بهمن فرسی، عباس نعلنبندیان و عبدالحی شماسی نیاورده‌ام که اینها پیشرو و آوانگاردند و از روزگار ما و نسبت‌هایش کمی جلوترند و هنوز به دقت مطالعه و اجرا نشده‌اند که با درک و دریافت جایگاهشان تبیین شود. بنابراین برای درک نمایشنامه‌نویسی روزگار ما همان بهتر که همین ۵ ستاره نامی را مدنظر قرار دهیم و حالا هر نمایشنامه‌نویس نواندیشه‌ای برای فهم بضاعت ما به ناچار باید همان‌ها را با دقت و حوصله بسیار بخواند و بداند که اینها چگونه‌اند. اینها پرسش‌های بنیادین‌شان چیست. زبان حال و قال‌شان را به چه می‌آلایند و از چه می‌پالایند. پردازش زبانی آنان به چه دستور و ضد دستوری رهنمون شده است. چه مقدار مردم را و از چه منظری آنان را واکاوی کرده‌اند. درنگ و حوصله آنان چقدر پرو بال گرفته و به کجاها رسیده‌اند. جامعه‌شناسی، روانشناسی، تاریخ، جغرافیا، زیست و اقتصاد چقدر در آن گستره مردم‌شناسانه ذینفوذ است؟! و همین نکات ریز و درشتی که هر یک از اینها به گونه‌ای به آن پرداخته‌اند، فصل‌ویژه هر یک از آنان است. اینان ما را به گونه‌ای متفاوت با آنچه که باید رودر رو کرده‌اند و این‌گونه زیستن و هم‌نفسی با گذشتگان است که شاید چراغ روشنگری باشد برای رهییز از تکرار‌ها، توهمات، غفلت‌ها و بیراهه رفتن‌های بی‌شماری که در این خیل بزرگ هزاران نفره دست‌به‌قلمان جایز‌بگیر و جشنواره‌رو را به جایی نمی‌برد.

به هر روی می‌دانیم که اگر بهرام بیضایی بلندترین قله شده، حتماً حال و هوای متفاوت و در واقع درست‌تری را سروسامان داده وگرنه همین طوری و باری به هر جهت سکاندار این کشتی نشده است. او دانشی داشته که در آمیزش نبوغ و بلوغ حسی و فکری چنین درازاندیشانه متبلور شده است و همچنین رادی، ساعدی، نادری و یعقوبی درنگ بسامانی نسبت به مسائل گوناگون داشته‌اند اما در برابر همه اینها سد یا سدهایی هست که در گسترش معنا و درک زندگی به قاعده فهم روزگار، اینها هم هنوز کم آورده‌اند، بلکه کم گذاشته‌اند و شاید هم جهان در برابر اینان کم آورده و هر یک از اینها محتمل است اما به هر حال ما هنوز با این اندوخته‌ها جهانی نشده‌ایم و باید که جهانی شدن را برای استقرار یک ادبیات نمایشی غنی و توسعه یافته ممکن سازیم. جهانی شدن سرآغازی است برای اتفاقات بهتر که این صدوچند سال پیشینه را بشود جهت‌دهی بهتری کرد و باید این راه ریل‌گذاری بشود که مقصد مطلوبی را تدارک دید و از این سرگردانی بیرون آمد.

### پیشنهاد

این روزها که فرصت‌های بسیاری را از ما گرفته و نمی‌گذارد تفریحات فرهنگی‌مان را آن‌طور که در گذشته داشتیم، امروز هم تجربه کنیم و چیزی به خودمان اضافه کنیم حداقل کتاب خواندن می‌تواند بخشی از مسئولیت این جبران مافات را به عهده بگیرد؛ یکی از کتاب‌هایی که این روزها می‌شود آن را خواند لذت برد داستان بلند «سمت چپ اتاق اول» نوشته امیر پروسان است. «سمت چپ اتاق اول» چهارمین کتاب این نویسنده و شاعر است که در ۱۲۴ صفحه و با قیمت ۲۱ هزار تومان توسط انتشارات صدای معاصر منتشر شده است.



پروسان درباره چهارمین کتاب خود به «ایران» می‌گوید: «سمت چپ اتاق اول» نگاهی ظریف به مرگ و زندگی دارد. اول شخص این داستان بلند روایتی از زندگی پس از مرگ را بازگو می‌کند؛ اندکی طنز جاشنی این روایت شده و در عین حال به اهمیت زندگی و اتفاقات و رفتارهای انسانی می‌پردازد؛ این‌که بدانیم زندگی فقط به معنی نفس کشیدن نیست و باید طوری زندگی کرد که بعدتر برای ثانیه‌های از دست رفته پشیمان نشد. این روایت جالبی دارد و زندگی قرار گرفته و ماجرای مرگ و زندگی اول شخص و عشقی گفته نشده را در فضایی تازه مطرح می‌کند.»
پیش از این مجموعه شعر «غمه‌های یک تبعیدی» توسط انتشارات کتیبه گیل، مجموعه داستان کوتاه «مرگ خاموش آقای نویسنده» و «زن‌ها همیشه همین‌طور هستند» توسط انتشارات صدای معاصر از امیر پروسان منتشر شده است.



غبار غم برود حال به شود حافظ  
تو آب دیده از این رهگذر دریغ مدار

### به نام تاریخ

کتاب «سرود کریسمس» چارلز دیکنز سال ۱۸۴۳ در چنین روزی منتشر شد و گفته می‌شود دیکنز شخصیت اسکرودج خسیس را با الهام از جان لوئیس، نماینده مجلس عوام بریتانیا نوشته است.

### تولدها

**محمد رحمانیان**؛ نمایشنامه‌نویس و کارگردان مطرح تئاتر سال ۱۳۴۱ به دنیا آمد. محمد رحمانیان رشته نمایش را در دانشگاه تهران خواند و از سال ۱۳۶۱ نمایش‌هایی مانند «سرود سرخ برادری»، «عروس‌ها و دلک‌ها»، «گزارش محرمانه اکتاویو والدز» و «شب یهودا» براساس نمایشنامه‌های او اجرا شد. سال ۱۳۶۸ اولین نمایشش را با نام «دایی وانیا» کارگردانی کرد و روی صحنه برد و پس از آن نمایش‌هایی مانند «اطلسی‌های لگدمال شده»، «اسم»، «مرغ دریایی من یا چخوف»، «مجلس ضربت زدن»، «آیینه‌های روبه‌رو»، «مصاحبه»، «پل»، «مانیفست چو»، «فنز» و «هامون بازها» را کارگردانی کرد. رحمانیان برای تلویزیون هم مجموعه‌هایی مانند «توی گوش سالم‌زمزم کن»، «نیمکت»، «آلبوم خانوادگی»، «یک داستان» و «هوای تازه» را ساخته و فیلمنامه فیلم‌های «کتاب قانون»، «شیرین»، «سینما نیمکت» را هم نوشته است.

**مehتاب نصیریور**؛ بازیگر تئاتر و سینما سال ۱۳۴۴ به دنیا آمد. مهتاب نصیریور از سال ۱۳۶۵ بازیگری در تئاتر را با نمایش «حادثه در صبح پاییزی» آغاز کرد و پس از آن در نمایش‌هایی مانند «بازرس»، «دایی وانیا»، «مریم و مرداوین»، «لیاسی برای مهمانی»، «خروس»، «یک دقیقه سکوت»، «مصاحبه»، «پل»، «عشق»، «مانیفست چو»، «شب سال نو»، «ترانه‌های قدیمی»، «هامون بازها»، «مجلس ضربت زدن» و «ترانه‌های قدیمی» بازی کرد. از سال ۱۳۶۸ با حضور در تله تئاترهایی در تلویزیون فعالیت کرد؛ کارش در سینما در سال ۱۳۷۰ با فیلم «مسافران» بهرام بیضایی آغاز شد و پس از آن او را در فیلم‌های «دنیا وارونه»، «سگ کشی»، «من، ترانه ۱۵ سال دارم»، «به نام پدر»، «فرزند خاک»، «دو»، «سینما نیمکت»، «سرو زیر آب»، «آستینگات» و «اورکا» دیدیم. او برای «به نام پدر» و «فرزند خاک» برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن از جشنواره فیلم فجر شده است.

**جیک جیلنهال**؛ بازیگر آمریکایی که با فیلم‌هایی مانند «کوهستان بروکبک» شناخته می‌شود سال ۱۹۸۰ در چنین روزی به دنیا آمد. جیک جیلنهال فرزند استون جیلنهال کارگردان و نمایشنامه‌نویس بود و در ۱۱ سالگی برای نخستین بار در یک فیلم کمدی به نام «حقه باران شهر» بازی کرد. پس از آن در فیلم‌های پدرش مانند «خز نرنگ» و سریال «زندگی در خیابان» بازی کرد. سال ۲۰۰۱ با بازی در فیلم «دانی دارکو» نظر منتقدان را جلب کرد و «بزرگراه»، «دختر خوب» و «روپس از فردا» دیگر فیلم‌هایش بودند. سال ۲۰۰۵ با بازی در فیلم‌های «بهران»، «چراغ‌ها» و «کوهستان بروکبک» چهره شد و برای «کوهستان بروکبک» جایزه «بقا» را برد. «زودیاک»، «استرداد»، «شاهزاده ایران: شن‌های زمان»، «آخرین گشت»، «زندانیان»، «شیگرد»، «اورست»، «زندگی» و «اوکیا» دیگر فیلم‌های مطرح جیلنهال هستند.

● **ادیت پیاف** خواننده فرانسوی، **فرمان فتحعلیان** خواننده و **سیاوش خیرایی** بازیگر، **ژان ژنه** نمایشنامه‌نویس فرانسوی و **ژان کلود کیریر** نویسنده و کارگردان فرانسوی هم متولد امروز هستند.

### درگذشت‌ها

**ابوالحسن صبا**؛ استاد مطرح موسیقی ایرانی سال ۱۳۳۶ در چنین روزی درگذشت. ابوالحسن صبا متولد ۱۲۸۱ بود و از پدرش که سه‌تار می‌نواخت، موسیقی را یاد گرفت و بعد شاگرد استادانی

مانند درویش خان، علی‌نقی وزیری، حسین هنگ آفرین، حسین اسماعیل‌زاده، اکبرخان و علی اکبرخان شاهی شد و ناوختن سازهای تار، سه‌تار، ویولن، کمانچه، سنتور، نی و ضرب را یاد گرفت. صبا از دانش‌آموزان ممتاز مدرسه عالی موسیقی بود و سال ۱۳۰۶ قطعه «زرد ملیحه» را با ناوختن ویولن توسط او ضبط شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. از سال ۱۳۱۹ که رادیو تأسیس شد، به عنوان نوازنده رادیو مشغول به کار شد و صفحات زیادی از تکنوازی‌ها و هم‌نوازی‌هایش به جا مانده است. ابوالحسن صبا از استادان برجسته موسیقی سنتی ایران بود و کتاب‌های «ویولن»، «سنتور» و «سه‌تار» را در این حوزه نوشت و چهره‌هایی مانند غلامحسین بنان، فرامرز پایور، علی‌نجویدی، هامیون خرم، اسدالله ملک، اسماعیل چشم‌آذر، حسین خواجه امیری، اکبر گلپایگانی، پرویز باخانی و فرهاد دحرج‌الدینی از شاگردانش بودند.

**ناصر عبد‌اللهی**؛ خواننده پاپ سال ۱۳۸۵ درگذشت. ناصر عبد‌اللهی متولد ۱۳۴۹ بود و از نوجوانی به موسیقی علاقه پیدا کرد و کارش را در صدا و سیما و حوزه هنری استان هرمزگان آغاز کرد. سال ۱۳۷۴ با خواندن قطعه «ایا فاطمه بنت نبی» مشهور شد و پس از آن به تهران آمد و با محمدعلی بهمنی آلبوم‌های «عشق است» و «دوست دارم» و ترانه «ناصربا» را منتشر کرد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. «بوی شرعی»، «هوای حوا» و «ماندگار» که پس از درگذشت اش منتشر شد از آثار شاخص او هستند.

● سالروز درگذشت **گلچین گیلانی** شاعر، **مارچلو ماسترویانلی** بازیگر ایتالیایی و **امیلی برورته** نویسنده انگلیسی هم امروز است.

نمایشگاه انفرادی **حجم بیژن نعمتی** شریف عروسک‌ساز و مجسمه‌ساز، در گالری **شیرین** برپا شده است. **نعمتی شریف** که سال ۹۱ درگذشت در کارنامه اش ساخت عروسک‌های بسیاری از **نمایش‌های عروسکی تلویزیون و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ثبت شده و در مجسمه‌سازی هم از شاگردان شاخص پرویز تناولی بوده است.**

### عکس نوشت

